

از تبار لیلی‌ام

www.ketab.ir

پروانه شفاعی



تابستان ۱۴۰۳

از تبار لیلی ام

نویسنده: پروانه شفاعی

ویراستار: مرگان معصومی

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۳۶۱-۰۱-۸

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۷۲۷۴۳۵۶

نوبت نشر: ششم

زمان نشر: تابستان ۱۴۰۳

شمارگان: ۱۰۰ جلد

قیمت: ۶۹۰,۰۰۰ تومان

بیادآوری اخلاقی و حرفه‌ای:

کلیه حقوق ناشی از این اثر متعلق به انتشارات شادان است و هرگونه استفاده مادی، معنوی و غیره (به هر شکل و در هرگونه بستر واقعی یا مجازی) صرفاً با کسب اجازه رسمی از ناشر (نماینده نویسنده) امکانپذیر می‌باشد.

نشر

گروه فرهنگی انتشارات



دفتر مرکزی: تهران

اشرفی اصفهانی - بالاتر از نیایش - خیابان دربندی - شماره ۳۵

تلفن ۴۴ ۸۰ ۱۸ ۸۰ - ۴۴ ۸۰ ۱۸ ۸۱ - ۸۸ ۲۴ ۱۰ ۲۰

www.shadan.ir

info@shadan.ir



انتشارات شادان
SHADAN.PUB

در اینستاگرام نیز همراهان باشید:

عنوان: از تبار لیلی ام پدیدآور: پروانه شفاعی

تهران: شادان / ۱۳۹۹ ۸۳۱ صفحه / (رومان ۱۲۷۰)

شابک: ISBN : 978-622-7361-01-8

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

موضوع: داستانهای فارسی - قرن ۱۴

رده‌بندی کنگره: PIR ۸۱۲۳ رده‌بندی دیویی: ۸۳۱/۶۲

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۷۲۷۴۳۵۶

ظرف زمانِ نیاز و آرزو...

وقتی می‌گویند زندگی را در ظرف زمان باید دید و سنجید، حرف درستی است. هر چیزی، هر اتفاقی و هر توقع و نیازی فقط در محدودهٔ زمانی خودش ارزش دارد، اگر از آن مقطعی که مورد نیاز بوده بگذرد، دیگر اهمیت خود را از دست می‌دهد. حتی شاید دیگر به کار آدم نیاید.

آرزوها، توقعات و احتیاجات هر کس در زندگی در مقطعی به شدت مورد نیاز اوست و برایش هر کاری می‌کند اما با گذر ایام، به عنوان عاملی مهم در تعیین لذات زندگی، شاید دیگر آن اهمیت سابق را برای شخص نداشته باشد و شاید هم دیگر مسخوره به نظر برسد. به قول یک نفر مثل تاریخ انقضای روی مواد غذایی است که برای هر آرزویی برچسب خورده است.

در روابط میان آدم‌ها و زندگی‌های مشترک نیز این مورد بسیار صادق است. یعنی خواستنِ بعضی چیزها و حسِ نیاز، مثلاً ابراز عشق، بیان کلماتی عاشقانه یا شاید انجام کاری کوچک در زمانِ خودش آن حس و حال زیبا را با خود دارد و گرنه با گذشت زمان، شاید حتی بیان همان کلمات و ابراز محبت‌ها و انجام کارها دیگر نه تنها فایده‌ای نداشته باشد بلکه به نظر متظاهرانه بیاید.

شاید ما بهتر از هر کس بدانیم که اعتبار نیاز و خواستهٔ ما تا چه زمانی است و گاهی هم تلاش می‌کنیم با گذر از آن تاریخ، جبران ناکرده‌ها را کرده باشیم، اما خودمان خوب می‌دانیم که دیگر آن حس و حال قبل را نخواهد داشت. مثل مردی که در زمان مقرر کنار



www.ketab.ir

خانواده‌اش نبوده، بزرگ شدن فرزندان را ندیده و آن محبتی که باید، به زن و فرزند ابراز نداشته است. یا حتی زنی که با حضور به موقع، بار زندگی را از دوش همسرش برنداشته و احساس همراهی را به او نداده است اکنون با گذر زمان دیگر شاید آن حضور و حمایت و همراهی نتیجه خود را نداشته باشد و برای طرف مقابل ارزش ایجاد نکند.

می‌دانم این حرف تکراری به نظر می‌رسد ولی برای یادآوری بد نیست مرورش کنیم: در زندگی مشترک آن کسی برنده است، آن کسی واقعاً زرنگ است که نیازهای خود و همراهش را در زمان درست پاسخ گوید. به هر حال امیدوارم جمله‌ام خیلی تکراری نباشد...

بگذریم. امروز با داستانی روبرو هستیم پُر از فراز و فرود: از عشق‌های جوانی تا تجربه‌های خام دستانه از عشق، از ایمان بی‌پشتوانه و احساسی به آدم‌ها تا امتحانی که آنان در زندگی واقعی پَس می‌دهند و چهره پنهان شده خویش را نشان می‌دهند. قصه‌ای که جریان از نسل‌ها به هم ادامه می‌یابد و تأثیر زندگی امروز آدم‌ها را بر فردای فرزندان نشان می‌دهد. قهرمانان داستان نیز مثل همه ما گاهی فراموش می‌کنند که خواسته‌ها باید در ظرف زمان ببینند و به تاریخ مصرف آن توجه کنند تا مشمول بی‌ارزشی آن آرزو نگردند. قصه‌گوی امروز ما را می‌شناسید و با آثارش آشنا هستید، پس بدون شک این کار او را نیز خواهید پسندید و تردید ندارم آن حس لازم در رمان را از آن خواهید گرفت.

بهمن رحیمی

آذر ماه ۱۳۹۹ - تهران

لعل لعل